

## بررسی عوامل طراحی مجتمع مسکونی در شهر رشت با رویکرد افزایش رضایتمندی ساکنین

حمیدرضا زیرک دیدار

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد علوم تحقیقات تهران

نام نویسنده مسئول:

حمیدرضا زیرک دیدار

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۳۱

### چکیده

هدف از تعریف مفاهیم و مولفه‌های کیفیت سکونت شهر این است که یک نظریه کلی و عمومی در مورد یک مجتمع زیستی مطلوب ارائه شود؛ نظریه‌ای که با هرگونه محیط انسانی سازگار شود، به آن پاسخگو باشد و بتواند ارزش‌های عمومی را به عملیات خاص و مشخصی پیوند دهد و به ارتباط بین ارزش‌های انسانی و شهر کالبدی-فضایی محدود شود. در این میان ارزیابی ساکنان از محیط‌های سکونت‌شان می‌تواند به عنوان یکی از مهمترین معیارهای سنجش دستیابی به اهداف و ارزیابی میزان موفقیت هر طرح شهری مطرح شود.

یکی از رسالت‌های طراحان و معماران خلق رابط‌های متناسب بین انسان‌ها و کالبد اطرافشان است. این مقاله در جهت بررسی عوامل در طراحی مجموعه‌ای برای قشر خاصی از شهروندان شهر رشت گام برداشته و هدف ارائه راهکارهای معماری مناسب جهت بالا بردن حس رضایتمندی افراد ساکن در مجتمع مسکونی و یافتن فاکتورهای تاثیرگذار بر افزایش حس رضایتمندی و تقویت آنها می‌باشد. پس از بررسی و ارزیابی داده‌های حاصل از تحلیل آماری SPSS، به این نتیجه دست می‌یابیم که، از میان متغیرهای مستقل، حفظ منابع طبیعی و استفاده از پوشش گیاهی در مجتمع مسکونی دارای اهمیت بیشتری نسبت به سایر متغیرها می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** رضایتمندی، مجتمع مسکونی، سکونت، تعامل اجتماعی.

## مقدمه

مشکل و مساله عصر حاضر این است که با توجه به پیشرفت علم و تکنولوژی و سرعت بالای زندگی در شهرها سبب شده که بسیاری از تعاملات اجتماعی گذشته کاهش یابد. تعاملات اجتماعی به عنوان یکی از عوامل تاثیر گذار بر رضایت کاربران محیط مسکونی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. تعامل اجتماعی به معنای ایجاد رابطه بین دو نفر یا بیشتر است که منجر به واکنشی میان آنها شود و این نوع واکنش برای هر دو طرف شناخته شده است. بنابراین روابط بدون معنا در زمره این تعریف قرار نمی گیرند. البته تعاریف دیگری نیز برای تعاملات اجتماعی وجود دارد به عنوان نمونه، تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط، می تواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه و ارتباط بین افراد باشد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت های متناسب و در نتیجه نقش پذیری مردم در فضا و عضویت آنها در گروه ها و شبکه های اجتماعی است (دانشپور و چرخیان، ۱۳۸۶: ۲۲).

«رضایت از محل زندگی، بعد از رضایت از زندگی زناشویی دومین عامل مهم در رضایت فرد از کل زندگی خویش است» (Keamey, 2006). فضای شهری ظرف و مکان بروز زندگی اجتماعی افراد جامعه است که براساس پایه های فکری خردگرایانه، مشارکت مدنی آحاد جامعه و رفتارهای جمعی شکل گرفته بر پایه ارزشهای انسانی شکل می گیرد. این تعامل اجتماعی و مشارکت مردمی را می توان عنصر اصلی و اساسی محتوای فضای شهری برشمرد که روابط انسانی و فعالیت های شهری را تحت تاثیر خود قرار می دهد (پارسی، ۱۳۸۱). سکونت گاه های شهری قبل از مدرنیسم، فضاهای عمومی مانند میدان های شهری و بازارها، به عنوان عرصه ای جهت ارتباطات اجتماعی بوده اند و در حقیقت مکان هایی متشکل از فعل و انفعالات اجتماعی تعداد زیادی از مردمانی که این تعاملات را امکان پذیر می ساختند، قلمداد می شده اند (مدنی پور، ۱۳۸۴).

محققان متعددی درصدد کشف عوامل تاثیرگذار بر ارزیابی کاربران از رضایت محیط مسکونی هستند. در این راستا متغیرهای متعدد موثر بر ارزیابی کاربران، مورد بررسی قرار گرفته است. متغیرهای زیبایی، وسعت ناحیه طبیعی (Amole, 2009; Hur et al, 2010)، تعامل اجتماعی، ایمنی خدمات و تسهیلات، نگهداری و آسایش محیطی از جمله مهم ترین این متغیرها هستند. علاوه بر متغیرهای مذکور مشخصات جامعه آماری نیز در رضایت آنها از محیط تاثیرگذار است. مطالعات تجربی دیگر نشان داده است که سن، صاحب خانه بودن و سطح درآمد بالا، تاثیر معناداری در افزایش رضایت از مکان دارد. اگر چه متغیرهای وابسته به محیط فیزیکی و جامعه آماری تاثیر قابل انکاری بر حس رضایت دارند، اما درجه اهمیت هر متغیر به صورت دقیق مشخص نبوده و تابع بستر طرح می باشند.

تحقیق حاضر بر آن است تا ضمن شناسایی عناصر کالبدی محیطی، نقش این عناصر را در جهت بالا بردن رضایتمندی ساکنین مورد بررسی قرار دهد و سپس به بررسی عوامل طراحی مجتمع مسکونی در شهر رشت می پردازد که این مجتمع برای قشر پردرآمد جامعه مانند پزشکان طراحی خواهد شد.

## فرضیه های تحقیق

- افزایش تعاملات اجتماعی بین ساکنین بر رضایتمندی آنان موثر است.
- وجود فضای سبز و ایجاد واحدهای همسایگی در مجتمع مسکونی، بر حس رضایتمندی ساکنین مجموعه موثر است.
- عدم ارتباط مسکن با طبیعت باعث عدم وجود آرامش روان در ساکنین می شود.

## پیشینه تحقیق

بهزادفر و قاضی زاده (۱۳۹۰)، در مقاله ای با عنوان «حس رضایت از فضای باز مسکونی، نمونه مورد مطالعه: مجتمع های مسکونی تهران» درصدد کشف عوامل موثر در رضایت ساکنان از فضای باز مسکونی بوده اند. رضایت از مکان امری چندبعدی و توجه به عوامل متعدد سازنده مکان در تدوین الگوی ارزیابی افراد ضروری است. براساس ادبیات موجود، الگوی چهاربعدی فضایی، اجتماعی، مدیریتی و عملکردی به عنوان یکی از موثرترین معیارها، جهت برآورد رضایت افراد استخراج گردید. نتایج حاصل از این پژوهش بر اهمیت نقش معمار به عنوان سازنده فضا در رضایت ساکنان از مکان دلالت می کند.

طبی مسرور و رضایی موید (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «ارزیابی میزان رضایت شهروندی از کیفیت‌های سکونتی در مجتمع‌های مسکونی، مورد پژوهی: مجتمع‌های مسکونی شهر همدان» به این نتیجه دست یافتند که میزان رضایت از سوی شهروندان از کیفیت سکونتی تاثیر فراگیر در میزان رضایتمندی اجتماعی و ایجاد محیطی مطلوب و پاسخده برای زندگی دارد. و در پایان این پژوهش در راستای ارتقاء میزان رضایت ساکنین از کیفیت‌های سکونتی در مجتمع‌های مسکونی در حوزه شرایط درونی و بیرونی راهکارهایی راهبردی و اجرایی مورد اشاره قرار گرفته است.

قنبران و جعفری (۱۳۹۳)، در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در میان ساکنان محله مسکونی» با استفاده از روش پیمایشی و با تکنیک پرسشنامه، ضمن شناسایی عناصر مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی، رابطه همبستگی بین این عوامل را در قالب یک مدل تحلیلی ترسیم کند. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که ساختار اجتماعی-سیاسی شهر، ساختار کالبدی-فضایی و حالات روحی-روانی استفاده کنندگان از فضا در ارتقاء تعاملات اجتماعی در میان ساکنان در که تاثیرگذار می‌باشد.

آموس راپوپورت (۱۳۸۸)، در کتاب انسان شناسی مسکن مطرح می‌کند که عوامل تاثیر گذار بر شکل، بر نیازها و نوع آن تکیه نمی‌کند، بلکه به نوع پاسخی که یک فرهنگ به این نیازها می‌دهد، بستگی خواهد داشت.

Amerigo & Aragones (۱۹۹۰)، در پژوهش خود، رضایت از محل مسکونی را معادل حس رضایتی می‌دانند که فرد یا عضوی از یک خانواده از مسکن فعلی خود درک ویا تجربه می‌کند. پژوهش‌های تجربی انجام شده در این حوزه در دو رویکرد اصلی قابل تفکیک است. در گروه اول پژوهش‌هایی هستند که مطالعه رضایت همسایگی به عنوان معیار ارزیابی کیفیت محیطی صورت گرفته است. هدف این گروه از پژوهش‌ها تخمین ارزش معیارهای محیطی و شخصی اثرگذار در رضایت از محیط مسکونی است. منظور از پژوهش گروه دوم پیش‌بینی رفتارهای جاری در همسایگی همچون جابه‌جایی است.

هاشم هاشم نژاد و سلوا فلاحي (۱۳۹۲)، در مقاله ای با عنوان " بررسی تاثیر طراحی فضاهای باز واحد همسایگی در برقراری ارتباط میان ساکنین با محیط و تعاملات اجتماعی " در همایش معماری پایدار و توسعه شهری به نتایج زیر دست یافتند: معیارهای در نظر گرفته شده از هم نشستی عوامل روانی اجتماعی در کنار عوامل فضایی کالبدی حاصل گردیده و شامل مرکز گرایی و جهت گیری، توجه به عرصه خصوصی، وجود فضایی با سیمای نیمه ثابت، وجود فضای باز معنی دار و مجاورت کارکردی می‌باشد. در راستای جمع آوری داده ها، سه مجموعه مسکونی با تراکم های کم، متوسط و زیاد به عنوان نمونه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این میان از روش پیمایشی و تنظیم پرسشنامه در راستای ارزش گذاری و سنجش میزان تأثیر عوامل یاد شده است. نتایج حاصل چگونگی تأثیر این عوامل را در ارتقای تعاملات اجتماعی میان ساکنین بیان می‌کند.

## رضایت مندی

آلپورت: در تئوری روانکاوی احساس رضایت مندی یا سرخوشی حالتی است که از ارضاء نیازهای اساسی در انسان بوجود می‌آید. احساس رضایت مندی سیرخوشی گفته می‌شود که هر فرد معمولی می‌تواند این حالت را تصور کند (آلپورت، ۱۳۷۱). رضایت اجتماعی نشان دهنده گرایش اهالی نسبت به اجتماعیشان است که در شکل سنتی رضایت مندی از اجتماع به عنوان انعکاس روانشناسانه ای از درک خدمات ارائه شده در اجتماع یا در یک متنی محدودتر درک از کیفیت فیزیکی تعریف می‌شود (آلپورت، ۱۳۷۱).

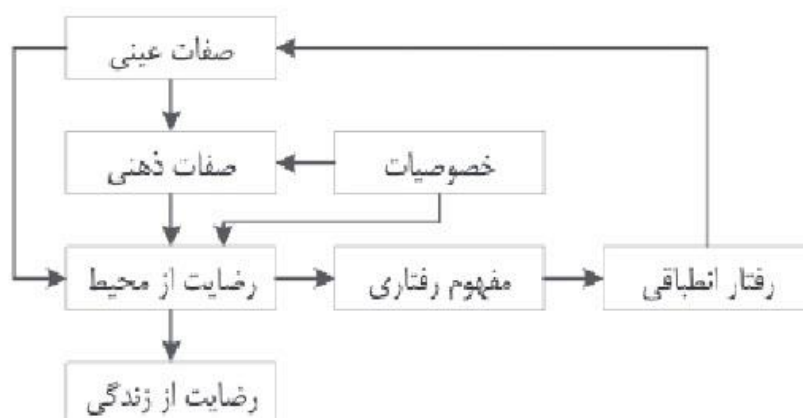
اینگلهارت: معتقد است رضایت کلی از زندگی یکی از نشانه های گسترده نگرش هایی است که نشان می‌دهد شخص نگرش نسبتاً مثبت یا منفی نسبت به جهانی که در آن زندگی می‌کند دارند و بالعکس (اینگلهارت، ۱۳۷۳). رضامندی را می‌توان واکنش مصرف کننده به ارزیابی از اختلاف ادراک بین انتظارات قبلی و عملکرد فعلی محصول تعریف کرد که پس از مصرف آن محصول درک می‌شود (قلی زاده سروری، ۲۰۱۲).

در واقع مفهوم رضایت مندی بر دامنه گسترده ای از تمایلات و مطلوبیت ها برای رفع نیازهای پایه و یا متعالی انسان اشاره دارد. بسیاری از افراد به چیزهایی که نمی‌توانند داشته باشند، تمایل دارند و بنابراین به دلایل مختلف باید این نیازهای خود را از مناطقی که تمایل کمتری نسبت به آن ها وجود دارد، انتخاب و تأمین نمایند. وقتی آنچه را که تمایل داریم بتوانیم انتخاب و

کسب نماییم، رضایتمان حاصل می شود. هرچند که ممکن است این رضایت مندی طیف مختلفی را پوشش دهد (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۸). مفهوم رضایت مندی ازجمله مفاهیمی است که طی چند دهه اخیر در ارتباط با مباحث کیفیت محیط وارد عرصه ادبیات طراحی محیطی شده است. رضایت مندی به عنوان یکی از معیارهای کلیدی سنجش میزان کیفیت محیطی مطرح شد و در چاقوب این اهمیت، کیفیت محیط مشتمل بر انتقال احساس رفاه و رضایت مندی که به وسیله ویژگی هایی فیزیکی، اجتماعی و یا سمبلیک محیط به کاربرانش منتقل می شود تعریف گردید (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۸).

رضایت مندی از معیارهای کلیدی سنجش میزان کیفیت محیطی مطرح شده است و بدین ترتیب کیفیت محیط را این گونه تعریف می کند. یک محیط با کیفیت بالا احساس رفاه و رضایت مندی به جمعیتش را با ویژگی هایی که ممکن است فیزیکی، اجتماعی یا حتی سمبلیک باشد، منتقل می کند (Lansing & Maras, 1969). در فرهنگ لغت رضایت مندی را برآورده کردن مایه خشنودی و ارضاء شدن، معنا کرده اند. ایجاد حالت شادمانی، خشنودی و مطلوبیتی که در نتیجه تأمین نیازها و برآورده کردن تقاضاها و احتیاجات مراجعه کننده توسط ارائه کننده خدمت در مراجعه کنندگان ایجاد می شود، رضایت مندی گفته می شود (فرهادنژاد، ۱۳۸۷).

مطابق نمودار ۱ الگوی آرنگونز<sup>۱</sup> و آمریگو<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) صفات عینی محیط تبدیل به صفات ذهنی شده و در حس رضایت تاثیر می گذارد. صفات ذهنی نیز متاثر از ویژگی ها و خصوصیات شخصی افراد استفاده کننده از فضا است. رضایت از محیط تاثیر مستقیم و مثبت بر روی رفتار متناجس با محیط دارد و در نهایت رضایت از محیط مسکونی منجر به رضایت نسبی از کل زندگی می گردد.

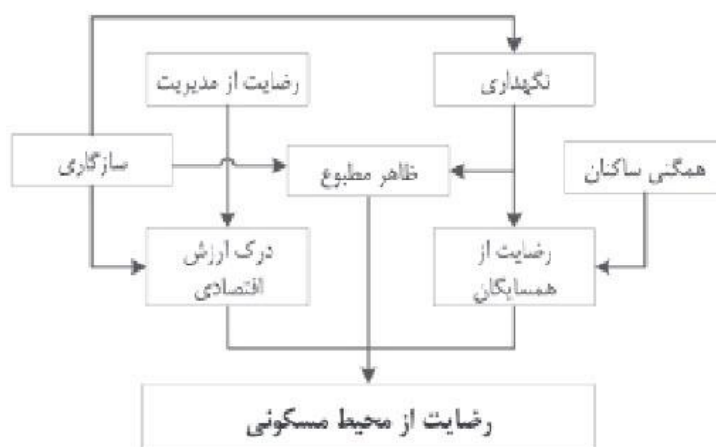


نمودار ۱-۱ الگوی رضایت از فضای مسکونی (Amerigo & Aragones, 1997)

مطابق نمودار ۱-۱ سازگاری ساکنان با تاثیر بر ارزش اقتصادی، مطبوعیت ظاهر و همچنین نگهداری در رضایت از محیط مسکونی تاثیر گذار است. همگنی ساکنان و نگهداری با واسطه رضایت از همسایگی بر رضایت از محیط مسکونی موثر است.

<sup>1</sup> Aragones

<sup>2</sup> Amerigo



نمودار ۱-۲ اجزای سازنده رضایت از محیط مسکونی (Marcus &amp; Sarkissian, 1986)

### کیفیت و کیفیت محیطی

گلکار (۱۳۸۰)، معتقد است که کیفیت طراحی شهری را می توان به عنوان برآیند سه نیرو (مولفه) «کیفیت عملکردی، کیفیت تجربی-زیباشناختی، و کیفیت زیست محیطی» شهرها در نظر گرفت:

۱- «کیفیت عملکردی» از یک سو دربرگیرنده تامین حرکت و دسترسی سهل و آسان پیاده ها و سواره ها به مراکز جاذب شهری است و از سویی دیگر، دربرگیرنده عملکردهای دیگری همچون تفریح غیرفعال، تماشای مردم و مراسم گوناگون نیز بوده تا ضامن سرزندگی و غنای تجربه فضایی شهر گردند؛

۲- «کیفیت تجربی- زیباشناختی» به دریافت های ادراکی، شناختی و ترجیحات محیطی افراد در قبال فضاهای شهری سروکار دارد؛ و درنهایت،

۳- «کیفیت زیست محیطی» در بعد خرد آن فضاهای شهری است و در بعد کلان دغدغه پایداری زیست محیطی شهری را دارد.

از سویی دیگر به جنبه مفهومی و ادراکی کیفیت محیط اشاره دارد، چنانچه می گوید:

درک کیفیت یک شهر از طریق دیدن آن توسط شهروندان ایجاد می شود و این امر به واسطه تصور ذهنی و ادراک محیطی که مردم از محل سکونت خود دارند انجام می گیرد. بنابراین از احساسی که به فرد وارد می شود، رنگها، اشکال، تحرک و تنوع و صدا موثرند. عبارت دیگر، مشخصه هایی همچون خوانایی، نمایانی تنها در چیده شدن خوب عناصر شهری پدیدار است. این عوامل است که به محیط زندگی انسان کیفیت می بخشد و آنها را از محیط های با کیفیت پایین جدا می سازد (لینچ، ۱۳۸۴). کیفیت محیط شهری جنبه ای از کیفیت زندگی است که دربرگیرنده احساس رفاه، آسایش و رضایت مردم از عوامل کالبدی- فضایی، اجتماعی- اقتصادی، زیست محیطی و سمبلیک محیط زندگی شان است. به عبارت دیگر کیفیت محیط نه تنها به حوزه های برآورد سازی نیازهای مادی انسان توجه دارد، بلکه همچنین به تامین و ارتقا ظرفیت های اجتماعی و توسعه اجتماعات، که بر الگوهای رفتار اجتماعی آنها نیز تاثیرگذار است، توجه دارد (رفیعیان، ۱۳۸۶). «لنسینگ» و «مارانز» معتقدند که یک محیط با کیفیت بالا، احساس رفاه و رضایتمندی را به واسطه ویژگی هایی که ممکن است فیز کی، اجتماعی و یا نمادین باشد به ساکنانش منتقل می کند (Lansing and Marans, 1969).

با وجود نظریه های مختلفی که در مورد کیفیت محیط شهری ارائه شده است اما به دلیل فقدان یک چهارچوب قابل قبول عمومی در این امر مفهوم کیفیت محیط شهری تا حدودی با ابهام روبرو است. بنابراین هدف از تعریف مفاهیم و مولفه های کیفیت محیط شهر این است که یک نظریه کلی و عمومی در مورد یک مجتمع زیستی خوب ارائه شود. نظریه ای که با هرگونه محیط انسانی سازگار شود، به آن پاسخگو باشد و بتواند ارزش های عمومی را به عملیات خاص و مشخصی پیوند دهد و به ارتباط بین ارزش های انسانی و شهر کالبدی فضایی محدود شود (رفیعیان، ۱۳۸۶).

ظاهر فیزیکی یکی از مؤلفه های بزرگ در افزایش رضایت از مکان است. پژوهش رضایتمندی همسایگی در شهر سنت لوئیس آمریکا نشان داد در مناطق زاغه نشین افراد به دلیل تسهیلات رفاهی (سیستم گرمایش، آب لوله کشی، فضای بیشتر) مجذوب طرحهای جدیدی بودند که موجبات ارتقاء تسهیلات رفاهی را فراهم نماید. اما، پس از انجام این طرحها و تحقق اهداف آن به دلیل بی توجهی به تعامل اجتماعی حس رضایت از محلات جدید کمتر از زاغه های پیشین بود (Amerigo, Aragones, 1990).

بنابراین عوامل کالبدی و سازگاری به تنهایی باعث ایجاد رضایت نمی گردد. هر چند ساکنان طولانی مدت معتقدند که مؤلفه هایی چون تنش بین همسایگان، سطح درآمد، از مؤلفه های مهم تری هستند. «مش و منور» (۱۹۹۸) رضایت را به عنوان عامل ارزیابی محیط کالبدی و اجتماعی به صورت توأمان ذکر کرده اند. رضایت زیاد ساکنان را ترغیب به سکونت طولانی مدت در مکان و رضایت کم آنان را مجبور به مهاجرت می نماید. عاملهای مثبت طول مدت اقامت، همجنسی نژادی، نرخ کم جرم و عاملهای منفی ترافیک مهمترین موضوعات مورد بحث در ادبیات موضوع است (Hur, Morrow Jones, 2008). عاملهای مثبت رابطه نزدیکتری با مسایل اجتماعی دارند.

### کیفیت محیط کالبدی

کیفیت محیط کالبدی از جمله مفاهیمی است که در دهه های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. شاید بتوان گفت برای اولین بار توجه به کیفیت محیط کالبدی در نوشته های «کوپن لینچ» مطرح شد. وی در مورد کیفیت محیط شهرها می گوید: برای سکونت و زندگی، شهر خانه ای است بزرگ و همان گونه که خانه باید از صفات و مزایایی برخوردار باشد تا سکونت و زندگی را مطلوب و آسایش بخش سازد، شهر نیز باید دارای کیفیات و ویژگی هایی برای تامین آسایش و راحتی باشد و نیز مانند خانه محیطی گرم و صمیمی و دلپذیر که زندگی را مرفه و مطلوب سازد (لینچ، ۱۳۷۴) وی رابطه متقابل و تاثیر کیفیت محیط شهری بر کیفیت زندگی ساکنان شهرها را مورد تاکید قرار داده است.

لینچ معتقد است، اگر بناست برنامه ریزی و طراحی شهری مفید واقع گردد، بنابراین باید قادر باشد تا از راه اعتلای کیفیت محیط کالبدی به اعتلای کیفیت زندگی انسان یاری رساند (گلگار، ۱۳۷۸). لینچ مدلی شامل ۵ محور عملکردی که از نظر او کلیه محوره های اصلی کیفیت یک شهر را تشکیل می دهند به همراه دو فوق معیار «کارایی» و «عدالت» به عنوان مدل جامع کیفیت شهر پیشنهاد می کند. از نظر وی شهر زمانی مطلوب است که:

- «سرزنده باش» (پایدار، ایمن و هماهنگ)؛ و
- «معنی دار باشد» (قابل تشخیص، سامان یافته، سازگار، شفاف، خوانا، قابل درک و با اهمیت)؛ و
- «متناسب باشد» (انطباق نزدیک شکل و رفتار)؛ و
- «قابل دسترس باشد» (متنوع، عادلانه و قابل اداره کردن در سطح محلی باشد)؛ و
- «به خوبی نظارت شده باشد» (سازگار، مطمئن، جوابگو و به طور متناوب نرم و آزاد باشد). همه اینها باید با عدالت و کارایی درونی حاصل شود (همان).

جدول ۱-۱- نظرات ارائه شده در زمینه کیفیت محیط

| نظریه پرداز            | معیارهای ارائه شده                                                                                                                                                                                                                                              |
|------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| کوبین لینچ             | نظارت و اختیار، کارایی، سرزندگی، معنی، تناسب، دسترسی، عدالت                                                                                                                                                                                                     |
| باربارا وارد و همکاران | اقتصاد فعال، کنترل های اجتماعی موثر، تصمیمات مشارکتی و فقدان جدایی اجتماعی، حق، تصرف مطمئن، خودیاری، محافظت، آب پاک، خدمات اساسی                                                                                                                                |
| جین جیکوبز             | استفاده از کاربری مختلط چه به لحاظ نوع استفاده و چه از نظر حضور اینیه با سنهاي مختلف در یک ناحیه، توجه به عنصر خیابان، نفوذ پذیر بودن، قابل دسترس بودن یافت، ملحوظ داشتن فعالیت های مناسب پیش از توجه به نظم بصری محیط، اختلاط اجتماعی و انعطاف پذیر بودن فضاها |
| یان بتلی و همکاران     | نفوذ پذیری، سازگاری بصری و یکپارچگی دید و محورهای بصری                                                                                                                                                                                                          |
| متیو کارمونا           | دسترسی، سخت فضا و نرم فضا، فضای همگانی، ایمنی و امنیت، منظر شهری، اختلاط و تراکم، همه شمول بودن، و مدیریت زمانی فضا                                                                                                                                             |
| جان پاتر و کارمونا     | کیفیت پایداری زیست محیطی، کیفیت منظر شهر، کیفیت دیدها، کیفیت فرم شهر، کیفیت فرم ساختمان و کیفیت عرصه همگانی                                                                                                                                                     |
| سلاوت ورث              | خوانایی، ساخت، شکل دسترسی، راحتی و آسایش، حفاظت از محیط، باز بودن فضاها، سرزندگی و حیات، تنوع، تجانس، شادی و شغف، معنی، سلامتی و ایمنی، مرمت و نگهداری                                                                                                          |

### ارزیابی رضایت از کیفیت محیط مسکونی

«سکونت» در برگرفته اجزاء ملموس و غیرملموسی است که کوچکترین واحد عینی آن مسکن می باشد. رضایتمندی از مسکن ابعاد کالبدی و اجتماعی نسبتاً مشخصی را داراست؛ در ارتباط با جنبه های کالبدی آن می توان به مقدار فضای واحد مسکونی، تعداد اتاق ها، مساحت خانه، سرانه زیربنا، سرانه فضای باز، ظاهر درونی و بیرونی و تأسیسات و در ارتباط با ابعاد اجتماعی آن می توان به شاخص هایی همچون نفر در اتاق، نفر در واحد مسکونی، خانوار در واحد مسکونی و... اشاره نمود. بعلاوه به نظر می رسد در میان قشر کم درآمد و محروم همواره نگرانی از وقوع جرم و تجاوز به حریم واحد مسکونی وجود دارد و امنیت واحد مسکونی یکی از استانداردهای مطلوب مسکن برای آنها تلقی می گردد؛ همچنین مالکیت مسکن نیز می تواند یکی از عوامل مهم در ایجاد رضایت خاطر شهروندان از زندگی در شهر باشد (Varady & Priers, 1998).

در مجموع به نظر می رسد که در ارتباط با کیفیت واحدهای کالبدی نظیر مسکن استانداردهای نسبتاً مشخصی وجود دارد که هریک به فراخور زمان، مکان و بینش افراد می تواند نقش پررنگ تر یا کمرنگ تری را در رضایت از واحد مسکونی، ایفا نماید. به دیگر سخن در ارتباط با شاخص های مطلوبیت مسکن، توافق و اشتراک زیادی بین افراد و گروه های مختلف و حتی بین شهروندان و شهرسازان وجود دارد؛ این درحالی است که به نظر می رسد، در ارتباط با عوامل مؤثر بر کیفیت و مطلوبیت محیط سکونت چنین توافقی به ندرت حاصل شده و اغلب، این مفهوم از دید افرادی با بینش های مختلف به گونه ای کاملاً متفاوت جلوه گر می شود. در شکل گیری مفهوم رضایتمندی، عناصر زمان و مکان تأثیر بسزایی دارند؛ آنچه که رضایت خاطر انسان دیروز را می آفرید، شاید در ذهن انسان امروزی کمرنگ شده و یا حتی نقشی نداشته و معیارهای پیشین، جای خود را به مجموعه ای از ارزش های جدید داده باشند. از سوی دیگر شرایط مکانی و محیطی نیز بر تعبیر انسان از این مفهوم مؤثرند. این تأثیر از آن جهت می باشد که توقعات و تمایلات افراد تا حد زیادی وابسته به هنجارهای اجتماعی و فرهنگ حاکم بر جامعه بوده و این ویژگی ها از جامعه ای به جامعه دیگر و گاه حتی در مقیاس کوچکتر از محله ای به محله دیگر متفاوت خواهد بود. برخی از محققان، رضایت از زندگی را به عنوان مؤلفه اصلی کیفیت زندگی مورد تأکید قرار می دهند و در خصوص آن چهار نوع رضایت از زندگی را بر می شمارند:

- ۱- «رضایت ناشی از داشتن» که متأثر از میزان برخورداری افراد از امکانات می باشد.
- ۲- «رضایت ناشی از ارتباط» که معطوف به روابط اجتماعی است.
- ۳- «رضایت ناشی از بودن» که پنداشت فرد نسبت به خویشتن و تعریف از کیستی خود بوده و دلالت بر معناداری و کنترل بر زندگی خود در مقابل از خود بیگانگی دارد.
- ۴- «رضایت ناشی از اقدام و عمل» که بیشتر معطوف به چگونگی زمان در اختیار، در قالب اوقات فراغت و غیره می شود (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸).

### کیفیت محیط مسکونی و حس رضایت

پژوهش «آمولی» (2009a) جهت اندازه‌گیری حس رضایت در محیط مسکونی دانشجویی در نیجریه، سه دستاورد عمده را در پی داشت. برداشت تجربی از سطوح محیط در بین دانشجویان، وجود رابطه معنادار بین ماهیت رضایت در سطوح مختلف وجود تفاوتها و شباهتهایی بین ابعاد رضایت در سطوح مختلف. نتایج بخش دیگر از پژوهش دیگر آمولی (2009b) نشان داد که رضایت در سطوح مختلف، تفاوت معناداری با یکدیگر دارد و ابعاد رضایت از فضا در سطوح مختلف، متفاوت است. از سویی دیگر، تعامل افراد با محیط در سطوح متفاوتی صورت میگیرد (از اتاق خواب تا سطح همسایگی و کل شهر). برای الگوی ارزیابی رضایت از خانه، «کنتر» و «ریس» (۱۹۸۲) از این سطوح به عنوان سطوح تعامل محیط استفاده کردند. آنها سطوح متفاوت از آنچه که مردم ممکن است از آن تجربه رضایت بخش داشته باشند، تعیین کرده‌اند. «گیفورد» (۲۰۰۲) بر ارزیابی سایر تعاملات انسان و محیط همچون تجربه فضا و حس محرمیت را در لایه‌هایی متفاوت از سطح خانه، مشابه لایه‌های کنتر تاکید کرده است. هر چند که تعریف سطوح و مقیاس براساس نوع پژوهش و خواسته‌های پژوهشگر متغیر است، بیشتر مطالعات در دو سطح واحد مسکونی و واحد همسایگی صورت پذیرفته‌اند (Amole, 2009). میزان محرمیت اصلی ترین مؤلفه در تدقیق سطوح خانگی و همسایگی است.

### برنامه‌ریزی و کیفیت زندگی

اگر بخواهیم انواع برنامه‌ریزی‌ها را با توجه به کیفیت زندگی مردم شهر بررسی کنیم، می‌توانیم به سه نوع برنامه‌ریزی عمده اشاره کنیم: ۱. برنامه‌ریزی فیزیکی؛ ۲. برنامه‌ریزی اقتصادی؛ و ۳. برنامه‌ریزی اجتماعی (شکوئی، ۱۳۸۳). با این بیان که در شهرهای امروزی ما، فقط بعد فیزیکی برنامه‌ریزی شهری را مدنظر دارند، این در حالی است که بعد دیگر برنامه‌ریزی شهری، برنامه‌ریزی اجتماعی شهر (رفاه اجتماعی و حمایت از خانواده‌ها؛ سالم سازی محیط زیست؛ آموزش و تعلیم و تربیت؛ بهداشت و درمان؛ زمینه سازی برای مشارکت شهروندان در امور مختلف؛ حمایت از فقیران و افراد کم درآمد شهری و تلاش برای ارتقای سطح زندگی آنها) می‌باشد که بر پیشرفت منابع انسانی در جهت قطع دور تسلسل فقر در خانواده‌ها تأکید دارد. و برنامه‌ریزی برای فضای سبز شهری، از برنامه‌ریزی‌های اجتماعی شهر برای ارتقای سطح زندگی و سالم سازی محیط زیست می‌باشد. بررسی محیط و رفتار اجتماعی در چند دهه اخیر نظر بسیاری از نویسندگان و پژوهشگران را به خود جلب کرده است. رفتار انسان محصول محیط و بیولوژی و تعامل این دو با یکدیگر است. عوامل فیزیکی گوناگون چون سروصدا، آب و هوا و فضاهای محصور بطور مداوم در انسان و رفتار وی تاثیر می‌گذارد. عوامل فیزیکی بخشی از کیفیت محیطی، و انسان و رفتار وی تشکیل دهنده روابط اجتماعی است. اصطلاح رابطه اجتماعی برای ترسیم شرایطی بکار می‌رود که دو یا چند نفر، در رفتاری مشارکت دارند که در چهارچوب آن، هریک از آنان، رفتار دیگری را بطرز معناداری به حساب می‌آورد، در نتیجه رفتار مذکور بر همین اساس جهت‌گیری می‌شود. بنابراین، رابطه اجتماعی تماماً عبارت از این احتمال است که افراد به طریقی قابل تعیین و معنادار، رفتار خواهند کرد. رابطه اجتماعی می‌تواند از طریق رضایت متقابل مورد توافق قرار گیرد. افراد به برقراری رابطه اجتماعی نیاز ذاتی دارند و به همین دلیل موقعیت‌هایی فراهم می‌آورند تا بتوانند آن را تجربه کنند. رابطه اجتماعی با اهداف خاص صورت می‌گیرد، یا عاطفی است که شامل دوستی، خویشاوندی و روابط همسایگی است یا عقلانی است که در جست و جوی به حداکثر رساندن شانس افراد در رسیدن به هدف است. نظام فرهنگی و روابط اجتماعی به هم پیوسته‌اند؛ بدین معنی که برقراری و تداوم روابط اجتماعی سبب تقویت ارزش‌ها و هنجارها یا فرهنگ می‌شود؛ و از سوی دیگر، فرهنگ شرایط و نحوه شکل‌گیری روابط

اجتماعی را تعیین می کند. رابطه اجتماعی و فرهنگی در فضا اتفاق می افتد. بنابراین فضا مجموعه ای از روابط اجتماعی و فرهنگی میان گروه خاص و مکان خاص را دربر می گیرد. این روابط مدت زمان خاصی دارد، بنابراین زندگی اجتماعی در فضا و زمان واقع شده و توسط آن محدود می شود. نوع روابطی که در فضا برقرار می شود و شدت آن، به فضا معنی می دهد (طالبی، ۱۳۸۳).

جدول ۱-۲- ارزش های موثر بر کیفیت فضای سکونت

| معیار            | مولفه ها و شاخصهای وابسته                                                                                                                                                              |
|------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| زیست محیطی       | عدم آلودگی هوا، عدم آلودگی صوتی، تراکم بهینه جمعیتی و ساختمانی، زمینه سازی برای حفاظت از اکوسیستم ها، سبزینگی، کارایی مصرف انرژی، سیستم دفع پسماندهای خانگی، تعادل محیط طبیعی و مصنوع. |
| زیبائی شناسی     | تناوب بصری، کاربرد عناصر بومی و نمادین، تنوع بصری، سازگاری بصری، وحدت اجزاء، تنوع رنگ، کنترل محورها و کریدورها.                                                                        |
| اجتماعی و فرهنگی | تحقق مشارکت شهروندان در امور، شکل گیری جامعه محلی، کنترل و نظارت اجتماعی بر فضاهای عمومی، دسترسی عادلانه به فرصت ها، سرزندگی، هویت و تعلق خاطر، محوریت عرصه های عمومی.                 |
| کالبدی           | نفوذپذیری، دسترسی به مراکز مهم، تراکم مناسب، مقیاس انسانی، شبکه دسترسی، سلسله مراتب فضایی، محوریت مناسب، خوانایی محیط، کفایت خدمات محلی، اختلاط کاربری ها، سازگاری و مطلوبیت کاربریها. |
| اقتصادی          | هزینه های دسترسی به مراکز خدمات و اشتغال، بهره وری اقتصادی از زمین، تنوع درآمدی و در نتیجه تنوع مسکن در سطح محله، خودکفایی و خوداتکائی محله یا شهر.                                    |

### ویژگی های اقلیمی استان

استقرار استان گیلان بین ارتفاعات البرز و دریای خزر و تاثیر متقابل این دو پدیده جغرافیایی بر یکدیگر و بازتاب آن بر شرایط اقلیمی استان، موجب پیدایش یکی از شاخص ترین شرایط آب و هوایی ایران در منطقه گیلان گردیده است که ویژگی بارز آن بارندگی زیاد، دمای معتدل، پوشش گیاهی انبوه و استانی برخوردار است. در این استان سلسله جبال البرز یکی از شگرف ترین مرزهای گسستگی اقلیم در جهان را به وجود آورده است.

دما: به علت استقرار هوای استان گیلان در بین ارتفاعات البرز و دریای خزر و برخورداری استان از رژیم اقلیمی معتدل خزری، رطوبت هوا در سطح استان در حد بالایی قرار داشته و به این جهت عامل رطوبت موجب تعدیل درجه حرارت هوا در تابستان می شود و از افت شدید دما در ماه های سرد سال جلوگیری می کند.

رطوبت نسبی: شهر رشت یکی از مرطوب ترین شهرهای ایران است. به طوری کلی در استان گیلان توزیع رطوبت هوا در مناطق و شهرهای ساحلی استان به شدت تحت تاثیر رژیم اقلیمی دریای خزر قرار دارد و مناطق دور از ساحل و نواحی کوهستانی استان دارای تفاوت های شاخصی است.

پوشش ابری: در شهر رشت به دلیل ویژگی های اقلیمی، تمام ماه های سال پوشش ابری قابل ملاحظه است ولی ابرناکی این شهر در فصل های سرد بیشتر از فصل های گرم است.

ساعات آفتابی: پوشش ابری آسمان با ساعات آفتابی رابطه معکوس دارد یعنی در ماه هایی که پوشش ابری زیاد است، پوشش آفتابی کم است.

زاویه تابش: شهر رشت در عرض جغرافیایی ۳۷ درجه و ۱۵ دقیقه قرار گرفته است که برای یافتن زاویه تابش می‌توان از نمودار عرض ۳۶ درجه شمالی استفاده نمود و از یک درجه اختلاف عرض جغرافیایی چشم پوشی نمود. زاویه تابش در بلندترین روز تابستان ساعت ۱۲ ظهر که حداکثر انرژی خورشید به زمین می‌رسد.

بارندگی: اختلاف دمای توده‌های هوای وارد شده و آب دریای خزر نیز در مهر ماه به حداکثر می‌رسد که این امر بارندگی‌های گیلان را در پاییز به ویژه در مهر و آبان توجیه می‌کند.

بادهای غالب: شهر رشت به دلیل قرار گرفتن در استان گیلان متأثر از جریانات هوایی است که بر این استان حاکم است. گرم باد گیلان از جهت جنوب و جنوب غربی این شهر را تحت تاثیر قرار می‌دهد. به علت وجود باد گرم، دما افزایش یافته و رطوبت کاهش پیدا می‌کند.

نتیجه مطالعه و بستر طراحی:

- پیش‌بینی طراحی ساختمان در حداقل طبقات
- اجتناب از احداث ساختمان در شیب‌های منفی و فرو رفتگی‌ها
- پیش‌بینی فضاهای کم اهمیت به عنوان عایق حرارتی در جداره‌ها با قسمت‌های سرد ساختمان
- پیش‌بینی فرم‌های کالبدی مناسب از نظر کاهش تاثیر بادهای نامطلوب
- توجه به جهت وزش بادهای غالب زمستانی در تعیین جهت استقرار ساختمان
- ساختن بنا در زمین‌های بزرگ به منظور حداکثر اشراف به هوای مناسب
- به حداکثر رساندن جریان هوا در اطراف ساختمان‌ها با ایجاد فاصله مناسب در بین آنها
- استقرار ساختمان در جهت وزش بادهای مطلوب
- طراحی عناصر محوطه و استفاده از گونه‌های گیاهی جهت هدایت بادهای مطلوب
- طراحی و سازماندهی پلان ساختمان جهت ایجاد امکان گردش هوا در اطراف ساختمان
- استفاده از پلان‌های کشیده با مقاطع باریک
- استفاده از سقف‌های بلند
- پیش‌بینی فضاهای داخلی باز و یک‌پارچه
- پیش‌بینی بام‌های شیب‌دار
- پیش‌بینی آب روهای مناسب در اطراف بام

### اهمیت فضای باز و محوطه در مجموعه‌ی مسکونی

مراد از فضای باز، فضای میان ساختمان‌ها، قسمت‌های خالی، تپه و فضاهای منفی است که در فرایند معماری و شهرسازی در کنار فضاهای بسته، مثبت و بر پدیدار می‌گردند (احمدی، ۱۳۸۵). مشاهده‌ی مجموعه‌ی روابط میان نقاط یا وضعیت‌های مختلف فضا از طریق پیوند و ارتباط با حجم و عملکرد بدنه‌های توده‌ی ساختمانی از یک‌سو، فرم و شکل خود فضا و نورپردازی آن از دیگر سو فضا را قابل درک و معنی‌دار می‌کند (پور دیهیمی، ۱۳۸۲). در طی سال‌های اخیر اهمیت و نقش فضای باز خصوصی در مجموعه‌های مسکونی رو به کاهش بوده است و علاوه بر افت کیفی فضاهای زندگی، منجر به معضلات گوناگونی برای اقشار و طیف‌های مختلف جامعه شده است، از جمله این موارد می‌توان به تأثیر منفی در رشد کودکان، آرامش سالمندان، بهداشت محیطی و بهداشت روانی اشاره کرد (رضایی، ۱۳۸۸).

در قدیم خانه‌ها معمولاً دارای حیاط مرکزی بودند و به‌صورت مجموعه‌های اندرونی و بیرونی ساخته می‌شدند و طرز قرار گرفتن فضای اندرونی و بیرونی مربوط به ابعاد زمین و موقعیت آن نسبت به معابر اطراف بوده است. حیاط‌ها - که عنصر اصلی در شکل دادن به حریم خصوصی و عمومی بودند - کارکردهایی از جمله سکونت، فرهنگی، اجتماعی، ارتباطی، خدماتی، کارگاهی، زیبایی شناسانه و بصری، اقلیمی، روانی و ... را بر عهده داشتند. با گذشت زمان، این حیاط‌ها تنها نقش جداکننده از کوچه در بناهای شهری و در بناهای چندطبقه به‌طور کلی حذف شده و گاهی به شکل تراس‌های کوچک دیده می‌شوند.

از سوی دیگر افزایش جمعیت و موقعیت بالای زمین لزوم استفاده از بلندمرتبه‌سازی را تأکید می‌کند. با توجه به کمبود مسکن و سیاست‌گذاری‌های اخیر برای تأمین آن مطابق الگوی مصرف مسکن در کشور، فضای باز با حیاط از برنامه طراحی واحدهای مسکونی حذف یا بسیار محدود شده است. در این مورد نیز مثل بسیاری از موارد دیگر کشور ما هنوز فاصله‌ی زیادی با استانداردهای جهانی دارد. فضای باز مسکونی ضمن فراهم آوردن موقعیت‌هایی برای رشد خلاقیت، زمینه‌ی معاشرت، تعامل و تقابل اجتماعی و کاربردهایی همچون ایجاد آرامش، ارتباط و سرگرمی، در کاهش آلودگی و بهبود محیط زندگی بسیار مؤثرند (طوفان، ۱۳۸۷ و سلطان‌زاده، ۱۳۸۹).

بسیاری از خانواده‌ها در خانه‌هایی بدون فضای بیرونی زندگی می‌کنند. تمرکز هر چه بیشتر مردم در مناطق شهری به معنی از بین رفتن باغ‌ها، حیاط‌های مسقف و ایوان‌ها و در یک کلام فضای بیرونی خانواده است. بالکن کوچک بلوک‌های مرتفع نمی‌تواند جانشین فضایی شوند که کودکان در آن بازی کنند و اعضای خانواده از شادی نشستن و غذا خوردن در کنار یکدیگر در هوای تازه لذت ببرند. (اردلان و دیگران، ۱۳۸۹). برای ساکنان ساختمان‌های بلند و متوسط که با زمین تماس ندارند، باغچه‌های سبزی‌کاری که در جای مناسبی قرار گرفته باشند فراهم شوند (اردلان و دیگران، ۱۳۸۹).

واژه "حیاط" در خانه‌ها معادل "courtyard" انگلیسی است. امروزه واژه‌ی منزل فقط به فضای داخلی اطلاق می‌شود، هرچند که نیاز و خواست شدید به فضای خصوصی خارجی همچنان وجود دارد. (همان).

فضاهای باز مسکونی ضمن فراهم آوردن موقعیت‌هایی برای رشد خلاقیت، زمینه‌ی معاشرت تعامل، تقابل اجتماعی و کاربردهایی چون ایجاد ارتباط، آرامش، سرگرمی و مکانی برای گردش، در کاهش آلودگی و بهبود محیط زندگی بسیار مؤثرند (نوذری و همکاران، ۱۳۹۳). وجود سلسله‌مراتب در فضای باز مسکونی امکان شناخت بهتر افراد از محیط را فراهم می‌کند و به‌مرور فضاهای نیم خصوصی و نیم عمومی به بخشی از سکونتگاه تبدیل می‌شوند.

همچنین طراحی فضای باز باید پاسخ‌گوی نیازهای ساکنان در تمام گروه‌های سنی باشد. تأمین آسایش، امنیت، سهولت دسترسی و دستیابی به فرصت‌هایی برای ملاقات دیگران، جمع‌گرایی، پرورش و رشد خلاقیت‌ها از جنبه‌های مهم عملکرد فضاهای باز مسکونی است (همان).

### امنیت در فضای باز مجموعه مسکونی

فضاهای باز به‌طور معمولی می‌توانند عاملی برای تأمین امنیت فضاهای بسته (توده) به حساب آیند. محوطه‌های مشاع داخلی و خارجی در مجموعه‌های مسکونی جز قلمرو نیمه خصوصی قرار می‌گیرند که کنترل و نگهداری آن‌ها اغلب مبهم بوده و به شکل ضعیفی صورت می‌گیرد. تعریف روشن قلمرو و حریم می‌تواند توسط مکانیزم‌های مختلفی از جمله ایجاد موانع فیزیکی و نمادین، محوطه‌های باز تعریف شده و دارای امکان مراقبت، نحوه‌ی قرارگیری و هم‌جواری مناسب واحدها و ... صورت گیرد. نورپردازی کافی که بتواند مراقبت از نقاط ورودی، مسیرهای دسترسی و محوطه‌های توقف گاه جمعی را در شب تسهیل کند ضرورت دارد (عینی فر، ۱۳۸۲).

افزایش در تراکم مسکونی می‌تواند بر امنیت ساکنین اثرات مثبت و منفی داشته باشد. تمرکز ساکنین و مراجعه‌کنندگان از یک سو می‌تواند مزاحمت‌های بالقوه‌ای را ایجاد کند و از سوی دیگر می‌تواند امکان مراقبت و کنترل ساکنین بر رفتارهای ناهنجار اجتماعی را میسر سازد. جنبه‌های روان‌شناختی احساس امنیت در محیط‌های مسکونی باید در هر فرهنگی به‌درستی مطالعه و شناخته شوند. ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی ساکنین، میزان دسترسی فیزیکی برای مزاحمت بالقوه، تعریف و کنترل حریم و قلمرو مسکن، میزان مراقبت از مسیرهای دسترسی و ... از جمله تأثیرگذار در این جنبه‌ها هستند (همان).

### نتیجه‌گیری

پس از بررسی و تحلیل مبانی نظری این نتیجه حاصل می‌شود که مفهوم رضایت‌مندی بر دامنه گسترده‌ای از تمایلات و مطلوبیت‌ها برای رفع نیازهای پایه و یا متعالی انسان اشاره دارد.

یک واحد مسکونی زمانی قابلیت سکونت گزیدن خواهد داشت که بتواند پاسخگوی خواست‌های فیزیکی و روانی فعلی و آینده ساکنانش باشد. در این قسمت راهکارهایی پیشنهاد می‌شود که رعایت این عوامل می‌تواند رضایت ساکنین را در پی داشته باشد:

- **توجه به انسان** (محیط مسکونی باید بتواند به نیازهای سنین مختلف پاسخ دهد و متناسب با آنان تجهیز گردد).
  - **زیبایی** (اگر یک مسکن کاملاً مطلوب باشد ولی زیبا نباشد، میزان محبوبیت خود را به مقدار زیادی از دست خواهد داد، زیبایی موردی است که در نگاه اول می‌تواند بیننده را جذب یا دفع کند).
  - **برتری فضا نسبت به کالبد** (آنچه موجب مطلوبیت یک مسکن می‌گردد در درجه اول فضای یک خانه است و بعد کالبد آن. این خواست‌ها تابعی از زمان و مکان هستند و می‌بایست هر یک به طور جداگانه به نحوی برآورده شوند).
  - **امنیت و ایمنی در محیط مسکونی** (ویژگی‌های معماری باید به گونه ای باشد که درجات مختلف امنیت در برابر بلایا، سوانح طبیعی و غیرطبیعی و... را پاسخگو باشد).
  - **استقلال** (در حفظ حریم‌ها، از حریم شهرها گرفته تا واحد مسکونی (عمومی تا خصوصی) درون واحد مسکونی نیز باید با تمهیداتی این روند مستقل سازی تا خصوصی‌ترین فضای زیستی رعایت گردد).
  - **آرامش** (آرامش اعضای خانواده کیفیت مهمی است که توجه به آن ضرورت بنیادین مسکن مطلوب است).
  - **محرمیت** (مسکن به‌عنوان محل امن و آرامش خانواده، باید به‌گونه‌ای مناسب از مشرف قرار گرفتن درامان بماند).
  - **مکان ارتباط با طبیعت** (انسان از جنبه‌های مادی و معنوی متفاوتی به طبیعت و عناصر طبیعی و برخورداری از تماس نزدیک و مداوم با آن‌ها نیازمند است).
- علاوه بر نیاز انسان به تماس با طبیعت، هماهنگی محیط مصنوع و ازجمله عمارت و مسکن (به‌عنوان مه) ضرورتی انکارناپذیر است. انسان از جنبه‌های مادی و معنوی متفاوتی به طبیعت و عناصر طبیعی و برخورداری از تماس نزدیک و مداوم با آن‌ها نیازمند است. این تماس باید در یک سلسله‌مراتب منطقی از کمترین و بیشترین اثر معماری مستحدثه توسط انسان در زمین با طبیعت (محیط، عناصر، سیما و منظر، مصالح واحد مسکونی تا کوچه، خیابان و غیره) وجود داشته باشد.

## منابع و مراجع

- [۱] اردلان، نادر، بختیاری، لاله، ۱۳۸۰، حس وحدت: سنت عرفانی در معماری ایرانی، ترجمه حمید شاهرخ، نوبت چاپ، اصفهان، نشر خاک.
- [۲] راپاپورت، آموس، ۱۳۸۸، انسان شناسی مسکن، ترجمه خسرو افیلیان، انتشارات حرفه هنرمند
- [۳] پارسی، حمیدرضا، شناخت محتوای فضای شهری، نشریه هنرهای زیبا، ۱۳۸۱، شماره ۱۱، ص ۴۱-۴۹.
- [۴] رفیعیان، مجتبی و عسکری، علی، ۱۳۸۶، مفهوم و شیوه سنجش کیفیت محیط شهری، ارائه شده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران
- [۵] رفیعیان، مجتبی و عسکری، علی و عسکری زاده، زهرا، ۱۳۸۸، سنجش میزان رضایتمندی سکونتی ساکنین محله نواب، پژوهش های جغرافیایی، شماره ۶
- [۶] طیبی مسرور، ابولقاسم، رضایی موید، صادق، "ارزیابی میزان رضایت شهروندی از کیفیت های سکونتی در مجتمع های مسکونی، مورد پژوهی: مجتمع های مسکونی شهر همدان"، نشریه مدیریت شهری، ۱۳۹۴، شماره ۴۰، ص ۶۱-۸۰.
- [۷] عینی فر، علیرضا، ۱۳۸۲، الگویی برای تجلیل انعطاف پذیری در مسکن سنتی ایران، نشریه هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، دوره ۱۳، شماره ۱۳.
- [۸] کیانی، مصطفی، ۱۳۸۰، اندیشه های جان راسکین، معماری، هنر و زیبایی، نشریه علمی پژوهشی معماری و فرهنگ، شماره ۹.
- [۹] گلکار، کورش، ۱۳۸۰، مولفه های سازنده کیفیت در طراحی شهری، نشریه صفا شماره ۳۲.
- [۱۰] گلکار، کورش، ۱۳۷۶، تئوری شکل خوب شهر، ترجمه دکتر حسین بحرینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- [۱۱] نوذری، عبدالرحمن، ف امان پور، سعید، بدری، رضا، ۱۳۹۳، سنجش میزان رضایتمندی گردشگران نوروزی از تہسیلات و خدمات رفاهی، تفریحی و توریستی شهرستان شوشتر، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، سال ششم، شماره نوزدهم.
- [۱۲] هاشم نژاد، هاشم، فلاحي، سلوا، "بررسی تاثیر طراحی فضاهای باز واحد همسایگی در برقراری ارتباط میان ساکنین با محیط و تعاملات اجتماعی"، اولین همایش ملی شهرسازی و معماری در گذر زمان، ۱۳۹۲، دانشگاه امام خمینی قزوین.
- [13] Amerigo, Maria; Aragonés, Juan Ignacio (1990), Residential Satisfaction in Council Housing. *Journal of Environmental Psychology*, 10, 313-325.
- [14] Amérigo, Maria; Aragonés, Juan Ignacio 1990. Residential Satisfaction in Council Housing. *Journal of Environmental Psychology*, 10: 313-325.
- [15] Amérigo, María; Aragonés, Juan Ignacio 1997. A Theoretical and Methodological Approach to the Study of Residential Satisfaction. *Journal of Environmental Psychology*, 17: 47-57.
- [16] Amole, Dolapo (2009a), Residential Satisfaction and -Levels of Environment in Students' Residences *Journal of Environment and Behavior*, : 41: 866-879.
- [17] Amole, Dolapo (2009b), Residential Satisfaction in Student Housing. *Journal of Environmental Psychology*, 29, 76-85
- [18] Hur, Misun; Nasar, Jack L.; Chun, Bumseok (2010), Neighborhood Satisfaction, Physical and Perceived Naturalness and Openness. *Journal of Environmental Psychology*, 30, 52-59.
- [19] Hur, Misun; Morrow-Jones, Hazel 2008. Factors That Influence Residents' Satisfaction with Neighborhoods. *Journal of Environment and Behavior*, 40: 619-635.
- [20] Keamey, Anne R. (2006), Residential Development Patterns and Neighborhood Satisfaction: Impacts of Density and Nearby Nature. *Journal of Environment and behavior*, 38, 112-139.
- [21] Lansing, J.B and Marans, R.w (1969) Evaluation of Neighborhood. *Journal of the American Institute of Planners*, N 35.
- [22] Marcus, Clare Cooper; Sarkissian, Wendy 1986. Housing as If People Mattered : Site Design Guidelines for Medium-Density Family Housing, Berkeley, University of California Press.
- [23] Rossi, P.H. (1955). Why families move: a study in the social psychology of urban residential mobility. Glence, IL: Free Space.